

اربعین حسینی؛ امکان حضور در تاریخی دیگر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

1- مبانی فکری بنده در تفکر نسبت به حضور تاریخی، آیات و روایات زیر است:

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَّا فَتَعْرَضُوا لَهَا» یعنی در هر روزگاری نفحات الهی وزیدن می‌کند، سعی کنید خود را در معرض نفحات روزگار و تاریخ خود قرار دهید. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ حَافِظًا لِّلْسَانِهِ» در دستورهای حکیمانه‌ی آل داود چنین آمده است که وظیفه‌ی انسان خردمند است که زمانه‌ی خویش را بشناسد. و قرآن می‌فرماید: آیات: «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» (الرحمن/29) در هر روزگاری خداوند در شأنی است و به صورتی که مخصوص آن روزگار است و مطابق نیاز و تقاضای انسان‌ها است، به صحنه می‌آید. و نیز می‌فرماید: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل/44) ای پیامبر! ما قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم تبیین کنی آن‌چه بر آن‌ها نازل شده و آن‌ها را در بر گرفته. و در راستای آن که نحوه‌ی از وحی بر مؤمنین و یاران پیامبران نازل می‌شود، می‌فرماید: «وَ إِذْ أُوحِيتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَ بِرَسُولِي» (مائده/111) به یاد آر آن‌گاه که بر حواریین وحی کردیم که به من و به رسول من ایمان بیاورید.

2- اربعین؛ به عنوان «امکان حضور در تاریخی دیگر» موضوعی است که باید در آن برای عزیزان معنای «حضور تاریخی» تبیین شود و متوجه شویم با چه احساسی باید حضور تاریخی خود را در رخدادی که در صورت اربعین در این سال‌ها ظهور کرده است، دریابیم، که البته این از مشکل‌ترین قسمت‌های فهم است از آن جهت که باید ماورای عقل مدرن به موضوعی نظر کرد که فعلاً در حال تولد است و خود را در طی یک فرآیند می‌نمایاند و بدون آن که یک فکر حصولی باشد، در درون جان آدمیان سر برمی‌آورد و در قول و فعل‌شان سریان می‌یابد، مانند آن که بدیهیات اولیه انسان را در بر می‌گیرد. از این جهت می‌توان گفت جریان اربعین در این تاریخ، وجهی از فطرت تاریخی ما است که ما را فرا گرفته.

3- این مسلم است که بدون درک زمانه، هیچ قدمی به سوی آینده‌ی خود نمی‌توان برداشت و رخداد اربعین در این تاریخ، همان تاریخی است که می‌توانیم با قرار گرفتن در آن، سرنوشت خود را از بند غرب آزاد کنیم و تاریخ پایان‌یافتگی غرب را نشان دهیم که این همان تاریخ سست‌شدن عهد انسان با سکولاریته و اقامه‌ی رابطه‌ی انسان با خداست.

4- اربعین در این تاریخ ظهور تعرض انسان به اومانیسیم و اعتراض به تقلیل گوهر آدمی است که در چهارصدساله‌ی اخیر توسط اومانیسیم شکل گرفته، و بدین لحاظ چیزی در انسان این تاریخ رخ داده و بر هستی او حاکم گردیده که دیگر نمی‌تواند در تاریخی زندگی کند که قوام آن را اومانیسیم شکل داده است.

5- ما همان‌طور که در سنن الهی قرار داریم، اگر از حضور خود در آن سنن آگاه شویم راه آینده نسبت به آن سنن در مقابل ما گشوده می‌شود. به همین معنا ما در تاریخی هستیم که اربعین به صورتی خاص ظهور کرده که اگر از حضور خود در این رخداد آگاه شویم، راه آینده‌ی تاریخ ما در مقابل ما گشوده خواهد شد و دیگر در توهمات بشر غرب‌زده قدم نخواهیم زد.

6- باید ابتدا این موضوع روشن شود که آیا آن‌چه در این سال‌ها در سالگرد اربعین حضرت سیدالشهداء علیه السلام پیش آمده، یک اتفاق است یا یک ضرورت تاریخی؟ یک عمل عبادی است همانند پیاده به کربلا رفتن‌های سال‌های گذشته و یا تغییر نگاه به اربعینی است که ظرفیت حضور در تاریخی را دارد که حضرت امام عسکری علیه السلام با توصیه به حفظ آن می‌خواهند شیعیان از سیطره‌ی حاکمیت متوکل عباسی زمانه‌ی رهایی یابند؟

7- در راستای ایفای نقش فعال در تاریخی که امام حسین علیه السلام آن را فتح کردند، امام صادق علیه السلام به ما فرموده‌اند: زائر حسین علیه السلام اگر بداند چه اجر و ثواب دنیوی و اخروی برای او هست، پیوسته در حال زیارت حضرت خواهد بود. می‌فرماید: زائر حسین علیه السلام چون از زیارت بر می‌گردد هیچ گناهی بر او نیست «وَ قَدْ رُفِعَ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مَا لَا يَنَالُهُ الْمُتَشَحِّطُ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» و حق تعالی درجه‌اش را آن قدر مرتفع و عالی می‌گرداند که آنان که در راه خدا به خون خویش آغشته شده‌اند به آن دسترسی نداشته و مقام و منزلتشان در حد او نمی‌باشد (کامل‌الزیارات،

8- امام باقر علیه السلام می فرماید: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا شَوْقًا»، اگر مردم می دانستند که در زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیهما السلام چه فضل و ثوابی است، حتماً از شوق و ذوق قالب تهی می کردند زیرا در تاریخی خود را حاضر می کردند که خدا در آن ظهور دارد. (کامل الزیارات، ص: 142) و در ادامه برای آن که ما را متوجهی فتح تاریخی کنند حرکت شهدای بدر را مطرح می کنند که منشاء تاریخ اسلام شد. می فرماید: «وَأَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شَهِدَاءِ بَدْرٍ» و در این حضور تاریخی هزار برابر فتح تاریخی شهدای بدر، اقدام تاریخی صورت می گیرد، به همان معنایی که امام خمینی رضوان الله تعالی علیه می فرماید عزاداری برای امام حسین علیه السلام یک اقدام سیاسی است تا ملت ها بسیج و یک پارچه شوند و این همه آسیب پذیر نباشند.

9- رخداد تاریخی، یک نوع آشکار شدن است برای جان انسان، مثل فهمیدن های معمولی نیست، انسان در آن واقع می شود و اگر نسبت به آن خود آگاهی پیدا کند می تواند از آن تغذیه کند و با آن هماهنگ گردد، در آن صورت به داخل آن رخداد کشیده می شود و در آن حالت امری معنادار، اعتبار خود را بر آن فرد یا ملت حاکم می گرداند و به آن ملت خطاب می کند و آن ملت آن معنا را از خود می کند و حاضر می شود با آن زندگی کند و به آن آری بگوید و آن را از خود کند.

ما در اربعینی که این سال ها ظهور کرده است، در داخل رخداد حقیقت این دوران قرار می گیریم قبل از آن که فکر کنیم چگونه باید به آن باور داشته باشیم. پیش فهمی است در امری معنادار و معنوی که در «سنت» رخ می نماید و در افق درونی انسان ها عالمی را به آن ها عطا می کند و انسان ها در آن عالم از خود، فهمی خاص پیدا می کنند. وظیفه ی ما جهت تفسیر این رخداد، توجه به پشت صحنه ی آن است تا بیرون از فرهنگ مدرنیته، فهم تازه ای از خود پیدا کنیم و وارد تاریخی اثرگذار شویم.

در پشت صحنه ی رخداد اربعین، آدمی به ندای بی صدای هستی گوش می دهد و با زبان، آن را آشکار می کند. زیرا حقیقت، صامت نیست و در هر دوران سخنی دارد و باید با گوش سپردن به آن، با زبانی مناسب، آن حقیقت را آشکار کرد. در این صورت است که انسان در عین داشتن سخنی اصیل، به معنای خود دست می یابد که آن معنا، ارتباط با حقیقت وجود است و پاسخ دادن به دعوت و ندای بی صدای حقیقت، و گرنه انسان ها همچنان در بی معنایی به سر می برند.

10- در فهم تاریخی خود، باید متوجه باشیم این ضرورت تاریخی است که ما را به سوی رخدادی جدید سوق داده است به سوی تاریخی که در آن تاریخ در نظر به احساس بنیادین خود شهید حججی هم فهمیده می شود و او از خودمان می گردد.

11- اگر از معنای تاریخی رخدادی که با اربعین ظهور کرده غفلت نشود، متوجه می شویم درد مشترکی است که این جمعیت را وارد این صحنه کرده، مثل درد مشترکی که اصحاب سیدالشهداء علیهم السلام داشتند و متوجه حضور تاریخی خود کنار آن حضرت شدند. این درد مشترک و در کنار امام حسین علیه السلام قرار داشتن، چیزی است مافوق جلب بهشت و دوری از جهنم. در این جا آینه ای در مقابل ما قرار گرفته که می توان با خدا مأنوس شد و با تجلیات خاص حضرت حق مرتبط گشت.

12- در رخداد اربعین این سال ها که شأنی است از حضور تاریخی انقلاب اسلامی، مواجهه ای است نرم و آگاهانه با اراده ی خاص الهی که می توان با گام نهادن در آن اراده ی خاص، آن را از آن خود کرد، به همان صورتی که با اعمال شرعی، پیام های فطرت خود را از آن خود می کنیم. فطرت تاریخی نیز به عنوان اراده ی خاص حضرت حق، انسان های دوران را در برمی گیرد و آن ها با اقدامی خاص می توانند صدای بی صدای آن را بشنوند و آن تاریخ را از آن خود کنند، همان طور که شهدای دفاع مقدس، انقلاب اسلامی را از آن خود کردند.

13- از طریق رخداد اربعینی خاصی که در این تاریخ ظهور کرده ما در تفکری ماوراء فهم روشنفکران مذهبی ولی غرب گرا، حاضر می شویم. وای! اگر با ادعای فهم هگل و هایدگر، فهم تاریخی خود را از آن خود نکنیم و در این روز و روزگار، در راستای جستجوی «وجود» به چیزی غیر از آینه ی انقلاب اسلامی که رخداد اربعینی این تاریخ شأنی از آن است؛ نظر داشته باشیم. آیا وقت آن نیست که از طریق رخداد اربعینی که ما را فرا گرفته است، تفکر را، آری تفکر در «وجود» را به خود و جامعه ی خود برگردانیم و عقب ماندگی سالیان گذشته ی خود را بیرون از توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی جبران نماییم؟

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته